



سوگند به روشنایی روز (1)
سوگند به شب چون آرام گیرد (2)
[که] پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است (3) (سوره الضحی)

مسئولیت جزائی اطفال

کلامی "سنگرخیل عزیزی"

در زمانهای قدیم اطفال مانند اشخاص بالغ مسؤلیت جزائی دانسته شده و بر آن ها مجازات اعمال می گردید. این وضعیت در کشور های اروپائی تا قرن هفدهم میلادی ادامه داشت. طبق آن هرگاه خورد سالیمرتکب تخلف می شد مانند اشخاص بالغ باوی معامله صورت می گرفت.

در مورد بلاکستون حقوقدان مشهور انگلیسی می گوید "زمانی که کودکان مرتکب جرایم عمده می شوند با آنها به شدت کاملومانند افراد بالغ رفتار می شد و به این ترتیب دختر سیزده ساله ای بخاطرقتل دوست پسر خود که به او روابط جنسی داشت سوزانده می شود. دو پسر ده ساله و نه ساله بخاطر کشتن دوست خود به اعدام محکوم می شوند. و پسر ده ساله عملا به دار آویخته می شود و یک پسر هشت ساله بخاطر سوزاندن انبار زراعتی بالای دار چوب قرار می گیرد."

همچنان در فرانسه پسر خورد سالی محکوم شد که مطابق قانون جزائی 22 دسامبر سال 1688 در میدان عمومی شهر به مدت دو ساعت از بغل آویزان شد و سپس وی را شلاق زده زندانی نمودند. علاوه بر این در سایر کشور های اروپایی وضعیت به همین شکل ادامه داشت تا آن که بعد از انقلاب کبیر فرانسه در قوانین جزائی 1791 و 1810 مسله عدم مسؤلیت اطفال کمتر از سن دوازده سال مطرح بحق قرار داده می شود. در انگلستان قانون سال 1935 در مورد تعیین سن مسؤلیت جزائی تغییر وارد آمده و طبق آن خورد سالان الیسن 17 سال به عوض تطبیق مجازات، اتخاذ تدابیر تربیتی مورد تطبیق قرار داده شد. در کشور المان طبق قانون سال 1920 اقداماتی تربیتی در رابطه به اطفال وضع شد. نسبت افزایش تخلفات اطفال در قرن 18 و 19 سبب شد تا از طرف علما و حقوق دانان در رابطه به جلوگیری از جرایم و اتخاذ تدابیر لازم توجه بیشتر صورت گیرد. بلاخره قانونگذاران با استفاده از نظر دانشمندان متوجه علل بروز تخلفات خورد سالان گردیدند. در قانون موضوعه تدابیر مقتضی اتخاذ نمودند طرز رسیدگی به این تخلفات از رسیدگی جرایم بزرگ سالان جدا و اشخاص که این پروسیجر را تعقیب مینمودند جدا از سایر مستستقین توظیف شدند. تدابیر که باید تطبیق میشد باید متضمن اصلاح حال آن ها می بود. و هم قاضی باید از حکم صادره خود که چقدر مفید و موثر است نظارت می نمود.... ادامه در ص/2

برگزاری مجلس اختتامیه برنامه آموزشی سه روزه ارزیابی اجراءات در وزارت عدلیه



روز دوشنبه مورخ 1390/11/3 مجلس اختتامیه برنامه آموزشی سه روزه ای ارزیابی اجراءات وزارت عدلیه که از طرف کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی برگزار شده بود، به اشتراک سید محمد هاشمی معین اداری وزارت عدلیه، روسا و آمرین این وزارت در تالار کنفرانس های وزارت عدلیه دایر گردید. موضوع اصلی این برنامه آموزشی را تشریح ماده های قانون کارکنان خدماتی ملکی، فواید ارزیابی اجراءات

در ارتباط به لایحه وظایف، فورم لایحه وظایف، اهمیت پلان کار، توحید اهداف، ترتیب پلان کار، نظارت و کنترل کارکنان تحت اثر و رهنمایی آنان در رابطه به وظایف، فورم گزارش دهی، راجع به نمره دهی کارمندان، برخورد با کارمندان ضعیف، آگاهی دهی از نحوه اجراءات، ارتقای ظرفیت، پی گیری کارکرد های مامورین و مشکلات که کارمند در ارتباط به اجرای وظایف شان دارند، بحث و گفتگوی همه جانبه صورت گرفت و تاکید بیشتر روی ارتقای ظرفیت کارمندان و معرفی در ورکشاپ های آموزشی صورت گرفت. در اخیر مجلس با خانه پری پرسش نامه ها توسط اشتراک کننده گان و طرح پیشنهادات در ارتباط به مشکلات روزمره در ساحه کاری کارمندان و توزیع تصدیق نامه ها از طرف کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی برای روسا و آمرین این وزارت اختتام یافت.

در ارتباط به لایحه وظایف، فورم لایحه وظایف، اهمیت پلان کار، توحید اهداف، ترتیب پلان کار، نظارت و کنترل کارکنان تحت اثر و رهنمایی آنان در رابطه به وظایف، فورم گزارش دهی، راجع به نمره دهی کارمندان، برخورد با کارمندان ضعیف، آگاهی دهی از نحوه اجراءات، ارتقای ظرفیت، پی گیری کارکرد های مامورین و مشکلات که کارمند در ارتباط به اجرای وظایف شان دارند، بحث و گفتگوی همه جانبه صورت گرفت و تاکید بیشتر روی ارتقای ظرفیت کارمندان و معرفی در ورکشاپ های آموزشی صورت گرفت. در اخیر مجلس با خانه پری پرسش نامه ها توسط اشتراک کننده گان و طرح پیشنهادات در ارتباط به مشکلات روزمره در ساحه کاری کارمندان و توزیع تصدیق نامه ها از طرف کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی برای روسا و آمرین این وزارت اختتام یافت.

قوه مقننه

بدرانه فضائی

دانشته شده و این شوری جزئی از دولت جمهوری اسلامی افغانستان بوده که نماینده ملت افغان و مظهر اراده مردم می باشد. چنانکه ماده هشتماد ویکم قانون اساسی در مورد ذیلا صراحت دارد: شورای دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می کند. هر عضو شورای ملی در موقع رای، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می دهد. نظر به مندرجات ماده هشتماد و دوم قانون اساسی می توان گفت که شورای ملی متشکل از دو مجلس ولسی جرگه و مشرانو جرگه (مجلس سنی) می باشد. هیچ شخص نمی تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد. نظر به ... ادامه در ص/2

ساختار قوه مقننه:
قوه مقننه کشورها بر حسب قانون اساسی شان نظر به دلالتی از یک مجلس یا دو مجلس تشکیل می گردد. مجلس اول به نام مجلس شورای ملی، مجلس عوام، مجلس نمایندگان، مجلس مبعوثان یاد می شود. اعضای این مجلس به لحاظ اینکه توسط مردم انتخاب می گردند از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. مجلس دوم به نام مجلس سنا، مجلس اقوام، مجلس اعیان عنوان شده است. در قانون اساسی جدید پارلمان افغانستان به نام شورای ملی (مجلسین ولسی جرگه و مشرانو جرگه) مسمی شده است که تعداد اعضای ولسی جرگه 250 نفر و از مشرانو جرگه 102 نفر می باشد. قانونگذاری وظیفه این شورای

می شد. با توجه به تفکیک قوا که امروزه در تمام کشورها از این اصل پیروی میشود می توان گفت که هر یک از سه قوه (مقننه، اجرائیه و قضائیه) دارای وظایف مشخص و جدا از هم می باشند. وظیفه اصلی قوه مقننه قانونگذاری بوده و دو قوه دیگر حق دخالت در این خصوص را ندارند. مهمترین وظیفه مجلس که وضع قوانین و مراحل تشریفات آن است اغلب به وسیله قانون اساسی مشخص میشود. پیشنهاد مسوده قانونی، ارجاع به کمیسیون مربوطه، مذاکرات در جلسه علنی تصویب یکا یک از مواد آن، ارجاع مصوبه به مجلس دوم، رفع اختلاف بین دو مجلس، توشیح و ابلاغ آن از جمله اموری است که باید طی مراحل شده تا بعد از مدت معینه جهت اطلاع و آگاهی مردم نافذ می گردد.

با مطالعه تاریخ در می یابیم که در اولین قانون اساسی افغانستان در سال 1301 در ساختار دولت نهادی به نام شورای دولت در نظر گرفته شده بود، که دارای اعضای انتخابی از سوی مردم و اعضای انتصابی از طرف پادشاه بود. این شورا تنها نقش مشوره دهی به دولت در امور از قبیل وضع نظامنامه، بودجه، معاهدات و توافق نامه ها و غیره را در بر داشت. هر چند که این شورا مانند پارلمان به معنای امروزی عمل نمی کرد ولی نقطه عطفی برای ایجاد پارلمان در کشور تلقی می شد. در دومین قانون اساسی کشور در سال 1310 پارلمان به نام شورای ملی و اعیان در نظر گرفته شده که اعضای شورای ملی از سوی مردم انتخاب و اعضای اعیان از طرف پادشاه انتصاب

مسئولیت

جزائی ...

مسئولیت جزائی اطفال در دین مقدس اسلام:

چهارده قرن قبل در رابطه به عدم مسئولیت جزائی اطفال بدلیل نداشتن قوه ادراک و تمیز احکامی را تسجیل نموده است. اساس عدم مسئولیت اطفال حدیث رفع است که مطابق آن اطفال تا زمانی که به سن بلوغ نرسیده باشد از مسئولیت جزائی معاف دانسته می شود. در دین اسلام مسئولیت را ادراک و اختیار تشکیل می دهد از اینکه اطفال الی سن معین رشد و تکامل، دارای قوه درک، فهم و تمیز خوب و بد نه می باشند لذا نبود ادراک سبب رفع مسئولیت جزائی آنها می گردد. انسان از بد و پیدایش در رشد و تکامل بوده، این رشد هم در ساحه فزینی و هم در ساحه معنوی ادامه داشته تا آن که الی موعده معین به سرحد اکمال می رسد. در سنین ابتدا که قوه درک در نزد وی وجود ندارد از مسئولیت جزائی مبرا می باشد زمانی که قوه ادراک ضعیف پیدا می کند، مسئولیت حقیقی نیز کسب می نماید تا آن که ادراک وی کامل می شود و مسئولیت وی نیز کامل میگردد بنابر آن از لحظه تولد الی رسیدن به سن بلوغ کامل و رشد. مراحل را طی مینماید که فقها و دانشمندان در رابطه به مسئولیت جزائی این مراحل سنی را به سه دوره تقسیم نموده اند.

مرحله اول -

این مرحله از زمان تولد الی هفت سالگی مکمل را احتوا مینماید طفل در این مرحله غیر ممیز گفته میشود زیرا قوه درک و فهم نزد وی وجود ندارد و اگر عملی از وی سر میزند که جنبه جرمیت داشته باشد، بدون داشتن فهم و درک خوب و بد بوده جزا بر وی مرتب نمیگردد. اساس در این جا قوه تمیز است ولی بخاطر ایجاد سهولت و تشخیص طفل ممیز از غیر آن فقها به اتفاق این مرحله سن را غیر ممیز قبول نموده است گرچه استثنا بعضی از اطفال در پائین تر از این سن ممیز میشوند. شاید اطفال معدودی بالاتر از این سن به حد تمیز برسند از جانب دیگر شرایط اقلیم و آب و هوا، محیط، اقتصاد، صحت و غیره در این رابطه تاثیر خود را دارد اما اکثر اطفال با اکمال و تکمیل هفت سالگی به سن تمیز میرسند. هرگاه طفل غیر ممیز مرکب عمل بد میشود، چه این عمل وی ارتکاب قتل باشد یا جرم دیگر، جسیم بودن جرم یا کوچک بودن آن در مسؤل پنداشتن وی نقش ندارد در هر حال از تعقیب عدلی معاف دانسته شده غیر مسؤل است این فقدان مسئولیت در رابطه به امور جزائی است، در مورد پرداخت جبران خساره و تعویض به مدعی حق العبد طبق احکام قانون مدنی مسئولیت وجود دارد.

مرحله دوم -

این مرحله از هفت سالگی کامل شروع و الی سن بلوغ یا نوجوانی ادامه پیدا میکند در این مرحله طفل قوه درک و تمیز نسبی حاصل نموده و از این لحاظ بنام طفل ممیز یاد میگردد این که سن بلوغ و حد آن کدام است در این رابطه فقها اختلاف نظر دارند.

اما ابو حنیفه (رح) و امام مالک (رح) به رأی مشهور سن بلوغ پسران را هجده سال و از دختران را هفده سال تعیین نموده اند سایر فقها این سن را به پانزده سال تحدید کرده اند هر گاه طفل غیر ممیز مرتکب جرم گردد دست به سرقت یا زنا بزند یا کسی را به قتل برساند جزای حدود و قصاص بر وی تطبیق نمیگردد ولی قابل تادیب دانسته میشود بدین معنی که طفل باز هم مسئولیت جنائی ندارد. (داسلام جنائی تشریح لومری توک مخ 446)

مرحله سوم -

این مرحله بنام مرحله بلوغ یا نوجوانی یاد میگردد که در آن شخص به مرحله رشد، جسمی و ذهنی نایل و حایز مسئولیت تام جزائی میگردد شروع این سن به رأی مشهور نزد امام ابو حنیفه (رح) و امام مالک (رح) برای پسران از هژده سال و برای دختران هفده سال و نزد سایر فقها از پانزده سالگی آغاز میاید. زمان که شخص به این مرحله از زندگی خود قرار میگیرد و سن معینه را تکمیل می کند مسؤل دانسته میشود. هرگاه مرتکب جرمی گردد با وی مانند بزرگان معامله صورت میگیرد و اگر مرتکب جرایم حد و قصاص شود به حد و قصاص محکوم شده میتواند...

منابع وماخذ:

- 1- مسئولیت جزائی وعوامل رافع آن مولف قانونپوه محمد اشرف رسولی.
- 2- ولیدی، دکتور محمد صالح، حقوق جزای عمومی مسولیت جزایی.
- 3- حقوق جزا در فقه اسلامی وقوانین نافذه وضعی پوهاند غلام محی الدین دریز.
- 4- د اسلام جنائی تشریح لومری توک مترجم عبدالهادی هدایت.

قوه ...

"وزراء از وظایف مشخصه خود نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه مسوولیت دارند."

علاوئاً ماده یکصدو سوم قانون اساسی در مورد ذیلا اشعار می دارد: هر مجلس شورای ملی می تواند حضور وزراء را در جلسه خود مطالبه کند."

نظارت شورای ملی بر عملکرد حکومت ممکن به یکی از دو شیوه ذیل انجام شود:

3- بررسی تصمیم ولسی جرگه در مورد طرح قانون پیشنهاد شده به مشرانو جرگه:

در صورت تصویب طرح پیشنهاد شده توسط ولسی جرگه، ولسی جرگه آن را به مشرانو جرگه ارسال می کند. مشرانو جرگه مکلف است ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ کند. ماده نود و هفتم قانون اساسی در مورد چنین صراحت دارد:

"... ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می سپارد. مشرانو جرگه در ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ می کند. شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین معاهدات و پروگرامهای انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید اولویت می دهد."

هر گاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد، بعد از تأیید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارائه شده است در فهرست کار آن مجلس داخل می گردد.

4- تصمیم مشرانو جرگه ممکن است مطابق تصمیم ولسی جرگه باشد. در این صورت، رئیس جمهور نسبت به توشیح مصوبات مجلسین اقدام نموده و قانون نافذ می گردد. ممکن است در بین هر دو مجلس (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) در تصویب یک قانون اختلاف نظر بوجود آید. در این صورت ماده صد قانون اساسی کشور چنین صراحت دارد:

هر گاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف هیئت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می گردد. فیصله هیئت بعد از توشیح رئیس جمهور، نافذ شمرده می شود. در صورتیکه هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می رود. در این حالت ولسی جرگه می تواند در جلسه بعدی آنرا با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود. در صورت که رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقت ننماید، رئیس جمهور باید ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل عدم موافقت خویش، مصوبه را به ولسی جرگه مسترد نماید. در صورتی که رئیس جمهور پس از این مدت، آنرا توشیح نکند و یا پس از پانزده روز آنرا به ولسی جرگه مسترد کند و ولسی جرگه پس از دریافت نظر مخالف رئیس جمهور، مجدداً مصوبه را به دو ثلث آرای کل اعضا تصویب گردد منحیث قانون نافذ می گردد.

نظارت بر اجرای قانون:

هر چندکه قانونگذاری وظیفه مجلس، و اجراء و تطبیق قوانین از وظایف قوه مجریه بحساب می آید علاوه بر آن قوه مقننه وظیفه نظارت بر اجرای قوانین را نیز به عهده دارد. با وجود پذیرش اصل تفکیک قوا نظارت قوه مقننه بر قوه اجرائیه در رابطه با اجرای قوانین و امور مربوط به این امر است. چنانکه ماده هشتاد و نهم قانون اساسی ذیلا تصریح می نماید:

"ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضاء جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید..." همچنین فقره اخیر ماده هفتاد و هفتم قانون اساسی در زمینه حکم می نماید:

استیضاح در لغت به معنای توضیح دادن است اما در اصطلاح مرحله ای شدیدتر از سوال می باشد. چونکه پاسخ به سوال معمولاً در کمیسیون های یکی از دو مجلس صورت می پذیرد، ولی استیضاح در مقابل کلیه نمایندگان ولسی جرگه انجام می گردد. طرح استیضاح از جمله صلاحیتهای اختصاصی ولسی جرگه می باشد چنانچه ماده نودویکم قانون اساسی در زمینه احکام آتی را پیشبینی نموده است:

ولسی جرگه دارای صلاحیتهای اختصاصی ذیل می باشد:

1- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هر یک از وزرا مطابق به حکم ماده نودو دوم این قانون اساسی.

2- اتخاذ تصمیم راجع به پروگرامهای انکشافی و بودجه دولتی.

3- تأیید یا رد مقرریها مطابق به احکام این قانون اساسی. همچنان در مورد استیضاح وزراء، ماده نود و دوم قانون اساسی کشور دارای صراحت ذیل می باشد:

ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فیصد کل اعضا می تواند از هر یک از وزرا استیضاح به عمل آورد. هر گاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رای عدم اعتماد را بررسی می کند. بنا بر این قابل توضیح دانسته می شود که صلاحیت استیضاح از وزراء مختص ولسی جرگه بوده و مشرانو جرگه حق استیضاح وزراء را ندارد. در نتیجه استیضاح، ممکن است که استیضاح کنندگان قانع شده و موضوع خاتمه یابد، یا شایدهم استیضاح کنندگان قناعت حاصل نمایند در این حالت (عدم قناعت استیضاح کنندگان) ولسی جرگه باید اقدام به رای گیری نمایند موضوع این رای گیری سلب اعتماد خواهد بود که باید به صورت صریح، مستقیم و بر اساس اعلام دلایل عدم قناعت باشد. در صورتی که اکثریت کل اعضا ولسی جرگه به وزیر مربوطه رای عدم اعتماد بدهند، وزیر مذکور عزل می شود.

منابع و ماخذ:

- قانون اساسی کلیات حقوق اساسی، داکتر سید جلال الدین مدنی چپتر نوت آموزشی حقوق اساسی، سرور دانش رهنمود حقوقی برای پولیس افغانستان

موقف قوانین در دفاع از حقوق مظنون و ...

(متهم حق دارد به مجرد گرفتاری از اتهام منسوب اطلاع یابد.) و ضمناً جز اول ماده 31 قانون اجراءات جزایی موقت با الهام از قانون اساسی در رابطه شرح می‌دارد:

(پولیس عدلی بعد از گرفتاری شخص توسط خودش و تثبیت وی، دلایل گرفتاری را به وی ابلاغ و توضیح نماید.) با نظر داشت احکام فوق به ارگانهای عدلی و قضایی مسئولیت سپرده شده که حین دستگیری شخص مظنون علت گرفتاری و توقیف نمودن اش را بوی تفهیم نماید.

3- حق سکوت مظنون و متهم:

اصل حق سکوت مظنون و متهم را فقره (6) ماده پنجم قانون اجراءات جزایی موقت چنین شرح می‌دارد:

(مظنون و متهم حق دارد سکوت اختیار نموده و از اظهار هر گونه بیان، امتناع ورزد، گر چه توسط پولیس یا مقامات قضایی تحت با زپرسی قرار گیرد).

همچنان طبق فقره (7) ماده متذکره (پولیس، حارنوال و محکمه مکلف اند معلومات واضح را در وقت گرفتاری و قبل از استنطاق راجع به حق سکوت، حق تعیین وکیل مدافع در تمام مراحل، حق حضور در هنگام تفتیش، مقررات شناسائی مجرمین از طریق صف کشیدن، معاینات توسط اهل خبره و محاکمه برای مظنون و متهم ارایه نماید.) بنا به در نظر داشت فقره های (6 و 7) ماده

متذکره به مظنون و متهم حق داده شده تا در هر مرحله، از آغاز گرفتاری، جریا ن دعوی و حین محاکمه، از اتهام وارده انکار و امتناع ورزد. و ضمناً به ارگانهای عدلی و قضایی وظیفه سپرده شده تا در وقت گرفتاری شخص مظنون یا متهم، بوی چنین تفهیم نمایند: که خودت حق سکوت و حق خوداری از ارایه معلومات در زمینه داری - خودت حق داشتن وکیل مدافع از مرحله تفتیش منزل یا محل وقوع جرم الی جریان محاکمات را داری - خودت در

صف چند نفری قرار می‌گیری تا توسط مجنی علیه (متضرر)، اقارب وی و یا شهود شناسایی شوی.

4- اصل در نظر داشت کرامت انسانی مظنون و متهم:

(اشخاص مظنون و متهم تحت هیچگونه فشار روحی و یا جسمی قرار گرفته نمی‌توانند.) طوری که از مواد قانون اساسی و قانون اجراءات جزایی موقت برای محاکم دانسته می‌شود، شکنجه مظنون و متهم در هر مرحله (گرفتار، تحقیق و محاکمه) منع قرار داده شده است. حق داشتن وکیل مدافع متهم و مظنون:

بمنظور تامین عدالت و رعایت شفافیت در اجراءات ارگانهای عدلی و قضایی، به مظنون و متهم حق داده شده وکیل مدافع برای شان انتخاب نمایند. بمنظور حمایت از این حق قانون اساسی در ماده 31 چنین بیان می‌دارد:

(هر شخص می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد بمجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادى که قانون تعیین می‌کند در محکمه حاضر گردد. دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می‌نماید. محرمت مکالمات،

مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصئون می‌باشد. وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می‌گردد.) طبق صراحت ماده 38 قانون اجراءات جزایی برای محاکم،

زمانیکه شخص مظنون و یا متهم وکیل مدافع تعیین می‌نماید، وکیل مدافع حق دارد در تمام مراحل استنطاق موکل اش حاضر باشد. بمنظور رعایت این حق فقره (7) ماده پنجم قانون مذکور ارگانهای عدلی و قضایی را ذیلاً مکلف نموده است:

(پولیس، حارنوال و محکمه مکلف اند معلومات واضح را در وقت گرفتاری و قبل از استنطاق راجع به حق سکوت، حق تعیین وکیل مدافع در تمام مراحل، حق حضور در هنگام تفتیش، مقررات شناسایی مجرمین از طریق صف کشیدن، معاینات توسط اهل خبره و محاکمه برای مظنون و متهم ارایه نمایند.)

7- حق داشتن ترجمان:

از آن جائیکه در حوزه صلاحیت محاکم اقوام و ملیت های مختلف اقامت دارند که به زبان های مختلف مکالمه می‌نمایند، زبانیکه در محکمه به آن مکالمه صورت می‌گیرد ندانند و یا در بعضی موارد امکان دارد یکی از طرفین دعوی اتباع خارجی قرار گیرد که اصلاً به زبان کشور یکه محکمه ذیصلاح در آن موقعیت دارند تکلم کرده نتوانند، این امر برای محاکم و هم برای متهمین یا وکلاء خالی از دشواری نخواهد بود. روی همین اصل است که حق برخورداری از مترجم در قوانین کشور در تمام مراحل (تحقیق الی مراحل محاکمات) تأکید شده است.

چنانچه قانون اساسی در ماده 135 به این موضوع اشاره نموده است:

(اگر طرف دعوا زبانی را که محکمه توسط آن صورت می‌گیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری توسط ترجمان برایش تامین می‌گردد.) قابل یاد آور نیست مترجم باید به زبان مادری باشد بناء وجود مترجم مسلط به دو زبان رسمی (پشتو و دری) کافی نیست بلکه باید برای مظنون و متهم که زبان مورد استفاده محکمه را نمی‌دانند و یا کر یا گنگ باشند برای شان ترجمان تعیین می‌گردد تا در جریان تحقیق و محاکمه با آنها کمک نماید. در اخیر با توجه به مطالب

متذکره هر شخص چه فرد عادی باشد و یا مظنون و یا متهم قرار گیرد تا وقتکه حکمی مبنی بر محکومیت وی از جانب محکمه ذیصلاح صادر نگردیده باشد بی گناه تلقی می‌گردد. اما زمانیکه به اتهام جرمی از طرف ارگانهای عدلی و قضایی مورد پیگرد یا باز داشت قرار می‌گیرد، در آن صورت مکلفیت ارگانهای عدلی و قضایی است که با

وی طوری برخورد نمایند که شایسته کرامت انسانی او باشد.

منابع و ماخذ:

قانون اساسی.

قانون اجراءات جزایی موقت برای محاکم.

مجله عدالت.

تصفیه ...

- همچنان در ماده (238) اصولنامه مذکور میخوانیم که در ختم تصفیه مامورین تصفیه مطابق ماده (242) اصولنامه مذکور مامورین تصفیه نظر به قرار داد و یا احکام قانونی که بیلاسن حاوی حصص اوراق و دفاتر بیک جای معتمدی که از طرف شرکاء تعیین شده باشد تودیع شرکاء در خصوص سرمایه و نفع و ضرر و سایر اقالام دارائی و بدهی تنظیم کرده میگرد و تا ده سال حفظ میشود. اگر درین خصوص اتفاق نظر حاصل نشود بشرکاء تقدیم میکنند اگر شرکاء در ظرف یکماه توسط محکمه اعتراض نمایند محل معتمد را محکمه تعیین می‌کند.

بیلاسن کسب قطعیت نمناید. بعد از انقضا این مدت در صورتیکه شرکاء از اخذ - منابع و ماخذ.

حصه مقرر خود امتناع ورزند مامورین تصفیه حصه هریک را علحیده علحیده 1 قانون مدنی سال 1355.

2 اصولنامه تجارت. 3 مضمون آموزشی حقوقی تحت عنوان شرکتها

شود لذا از تحریر بیشتر در بین رابطه صرف نظر شده صرف از اجراءات مامورین تصفیه در اخیر یا در ختم تصفیه که چه نوع اجراءات را انجام بدهند مطابق صراحت ماده (235، 238 و 242) اصولنامه تجارت بحث مختصر خواهم داشت.

- در ماده (235) اصولنامه مذکور آمده که: «مامورین تصفیه مجبور اند مبالغ زاید از یکهزار افغانی را که در اثنای تصفیه حصول میشود بیک بانک معتبری تودیع نمایند.

امضای توافقنامه کمک بلاعوض 9 میلیون دالر امریکائی میان دفتر ملل متحد در ...

سکتور حاکمیت قانون برداشته است و بدین باور است که این پروژه در مرحله اول دسترسی به عدالت را به سطح ولسوالی ها در این سه ولایت بهبود بخشیده و حس عدل بودن و ثبات را به مردم به ارمغان خواهد آورد". فعالیت های مذکور در چارچوب پروگرام های فرعی برنامه عدالت جزائی سراسری دفتر ملل متحد در امور مواد مخدر و جرایم (UNODC) برای افغانستان درسالهای 2012 الی 2014 روی دست گرفته خواهد شد.

(UNODC) از کشور جاپان برای حمایت دوامدار آن کشور با دفتر مرکزی اظهار سپاس نموده و از تامین این کار مشترک جدید خورسند است". آقای سیجی اوکادا شارژدافیرموقت سفارت جاپان در رابطه به کمک های کشورش در امر تحقق عدالت جزایی ابراز داشت: "ما درک می‌کنیم که پیوند حقوق بشر و امنیت با عدالت ناگسستی است و دولت جاپان اولین گام را در راستای کمک با

می‌نمایم. خانم آشیتا میتل، معاونه دفتر مرکزی (UNODC) در افغانستان در رابطه به موضوع ابراز داشت: "سیستم عدلی نیرومند میتواند سبب استقرار و حفظ نظم و قانون گردد و به مثابه میکائیزم حل و فصل نزاعات عمل نماید و در عین حال سبب جلوگیری از معافیت مرتکبین جرایم در جریان جنگ و نیز بعد از جنگ گردد. دفتر ملل متحد در امور مواد مخدر و جرایم

مردم افغانستان، کمک 9 میلیون دالر امریکائی را از طریق دفتر UNODC به افغانستان متعهد میشود. اگر چه کشور جاپان چندی قبل سونامی را پشت سر گذشتاند ولی با وجود آنهم مردم جاپان در قسمت تامین عدالت جزایی ما را کمک میکنند که من به نمایندگی از ارگانهای عدلی و قضایی و مخصوصاً به نمایندگی از وزارت عدلیه از کشور دوست جاپان تشکر

د مدنی او تجارتی دعوی په هکله د محکمی ...

محکوم علیه یا مدیون شخص (متمرد) سر غرونکی او د قانون سره سم ورسره چلند کیږی. د تمرد (سرغروني) مسله دحقوقو د حاصلولو دقانون او نورو قوانینو کي څرگند شوی نه دی اما د ۱۳۵۰ ش کال د محکمو د ریسانودوم سمنبار کي تمرد (سرغروني) د قدرت او طاقت په لرلو سره د حق د نه اداء کولو په بیان تعریف شوی ده. په دی شان سره د محکمو فیصله دمدنی او تجارتی دعاواکو په هکله تطبیق او محکوم له شخص ته یی وسپاری. او سرغرونکی (متمرد) محکوم علیه شخص د دغه قانون د ۴۱ ماده اود ۳۳۷ - ۱/۱۱ ۱۳۷۳ تقنینی سند له مخی څارنوالی اداره ته د تحقیق لپاره معرفی کیږی.

ژوند نه شي ترسره کيدلای. که چیري د مدیون (قرضدار) منقولی مال د داین پور پوره نه کړي د حقوقو اداره کولای شي چه د داین د غوښتنی سره سم د مدیون غیر منقول ملکیت ثابت او محکمه ته د حجر لپاره وړاندی کړی او د محکمه د حکم سره سم د پوروري غیرمنقول ملکیت خرڅ او د مسخر وکیل د اقرار پربنأ د محکمه لخوا وثیقه جوړیږی. دحقوقو د حاصلولو د څرنګوالي د قانون د ۲۷ ماده په اساس په ښارونوکي د سرپنأ قیمت او ارزښت د ښاروالي د قانون د ۱۶ ماده د پنځمه فقره له مخي قیمت کیږي. د اهل خبره څخه هم به ځینو برخو کي د همکاري غوښتنه کیږی. که چیري اجباری تنفیذ د محکوم علیه یا مدیون شخص لخوا مختل شي.

د حقوقو د حاصلولو د څرنګوالي د قانون د ۲۴ ماده په مطابق اجباری تنفیذ په هغه مالونو کي رامینځ ته کیږی چه د مدیون (قرضداره) او یا محکوم علیه شخص د لومړنی احتیاجاتو څخه وتلي وي. دا برخه یاداجراءات ډول داسی ده چی حقوقی اداره اجباري تنفیذ محکمی ته د تجویز لپاره پیشنهاد (وړاندی) کوي کله چی د محکمی لخوا حقوقو اداری ته داجازی حکم صادر شي حقوقو اداره د مدیون مال د یو مختلط هیئت چه د ښاروالی، پولیسو او د محلی اداره استازی دي. د داوطلبی اومزایدی له لاری د مدیون یا د مدیون د قایمقام په وړاندی خرڅوی. اود داین(پوراخیستونکی) حق د دغه مال څخه ورکول کیږی او وسپاریی. ددغه قانون د ۲۵ ماده په رڼا کي لومړني احتیاجات یو عادي استوګنځی او هغه لوبڼي دي چه د نه موجودیت په حال کي دیو شخص عادی

Agahi Hoqqqi

Publication organ for ministry of justice

سال پنجم * شماره 93 * 15 دلو * 1390 * 4 February * 2012



امضای توافقنامه کمک بلاعوض 9 میلیون دالر امریکائی میان دفتر ملل متحد در امور مواد مخدر و جرایم (UNODC) و دولت جاپان

گزارش گر: شفیق الله نبی زاده

سال گذشته با افغانستان کمک های فراوانی نموده است ولی امروز آنچه را که مردم افغانستان به آن نیاز دارند، حاکمیت قانون، دسترسی به عدالت و حقوق بشر است و تامین این ارزش ها به مردم افغانستان بسیار مهم و ارزنده است و به خاطر رسیدن به این اهداف بزرگ ایجاب مینماید تا امکانات فراهم شود و در خدمت مردم قرار داده شود. امروز هم خوشبختانه کشور دوست جاپان باز هم در کنار سایر کمک هایش به ... ادامه در ص/3

توسط خانم آشیتا میتل معاونه دفتر مرکزی (UNODC) در افغانستان و آقای سیچی اوکادا شارژدافیر موقت سفارت جاپان در حضور قانونال سید یوسف حلیم معین مسلکی و سرپرست وزارت عدلیه و جمعی از نمایندگان ادارات ذیربط به امضاء رسید. در آغاز مجلس قانونال سید یوسف حلیم معین مسلکی و سرپرست وزارت عدلیه در رابطه به پروژه مذکور صحبت نموده فرمود:

دفتر ملل متحد در امور مواد مخدر و جرایم (UNODC) و دولت جاپان روز سه شنبه مورخ 1390/11/4 توافقنامه کمک بلاعوض 9 میلیون دالر امریکائی را به منظور ارتقای ظرفیت سکتور عدالت جزائی در ولایات بلخ، بامیان و هرات در راستای حمایت از تلاش های دولت افغانستان مبنی بر تقویت حاکمیت قانون در افغانستان، به امضاء رسانید. میزبانی مراسم امضای توافقنامه مذکور را وزارت عدلیه افغانستان، به عهده داشت و سند ه

موقف قوانین در دفاع از حقوق مظنون و متهم

عبدالرحمن عظیمی

یکی از مهمترین مباحث در حقوق جزاء، اصول محاکمات جزایی می باشد. این نظام عدالت جزایی یکی از تحولات مهم در کشور ما بوده که آشنایی بیشتر با آن برای حقوق دانان، کارکنان نهاد های عدلی و قضایی و عامه مردم بسیار مهم و مفید می باشد. هرگاه حقوق جزاء در چهار چوب این اصول به اجرا آورده شود، می توان عملی شدن یک حقوق جزای عادلانه را به اتباع کشور مژده داد. روی این اصل مقین کشور ما هم از این تحولات بی خبر نبوده در قانون اساسی و قوانین عادی بر این " اصول اساسی حاکم در قلمرو جزایی " تاکید نموده اند. که این اصل ارتباط مستقیم به حق دفاع متهم داشته که رعایت آن، شرایط و تسهیلات کافی را برای مظنون و متهم فراهم نموده تا بتوانند بی گناهی خویش را در پیشگاه ارگانه های عدلی و قضایی ثابت نمایند. بنابراین قرار شرح ذیل به اصول آتی اشاره مینمایم:

1- اصل برائت ذمه:

قانون اساسی کشور در ماده 25 در رابطه تصریح نموده است:

(برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.) همچنان ماده 4 قانون اجرائت جزایی موقت برای محاکم در زمینه صراحت دارد:

(از آغاز اقامه دعوی جزایی الی تثبیت مسئولیت جرمی که شخص به حکم نهایی محکمه، محکوم علیه قرار می گیرد. بی گناه پنداشته می شود اگر فیصله باعث سلب و یا محدودیت حقوق بشری شخص می گردد با استناد به دلایل قانونی بوده که محدود به کشف حقیقت باشد.) از مواد فوق الذکر دانسته می شود که طبق قوانین نافذه اصل برائت برای متهم تا زمان صدور حکم قطعی محکمه با صلاحیت، باقی می ماند. بنابراین حسب مواد فوق نه تنها متهم در مرحله محاکمه ابتدایی بلکه در تمام مراحل محاکماتی (شامل محاکمه استینافی و تمیز) متهم از اصل برائت ذمه برخوردار می باشد.

- اعمال هر گونه محدودیت بالای متهم باید به استناد دلایل قانونی باشد. محدودیت تا حدی لازم است که برای کشف حقیقت، ضروری و لازم دانسته شود. یعنی تعیین مجازات متناسب به جرم ارتکاب یافته صورت گیرد.

2- موضوع تفهیم اتهام به مظنون و متهم را قانون اساسی کشور در ماده 31 چنین تصریح می نماید:

... ادامه در ص/3

د مدنی او تجارتی دعوی په هکله د محکمی د حکم تطبیق او تنفیذ!

محمد عارف صباح

ب- اجباری تنفیذ: د حقوقو د حاصلولو د څرنگوالي د قانون د حکمونو سره سم که چیرې قرضدار (پوروری) یا محکوم علیه شخص په خپله یا د حقوقو د اداره د خبرتیا سره سم قرض (پور) یا حکم شوي حق محکوم له شخص ته ورنکړي. د محکمه فیصله په اجباری توگه په مدیون (پوروری) یا محکوم علیه شخص باندی تطبیق او تنفیذ کیږي. یعنی اجباری تنفیذ د قانون د حکمونو د تطبیق او حراست د ادراو واک او صلاحیت ده چې د اختیاری تنفیذ د نه مراعت کولو څخه وروسته عملي کیږي ... پاتی برحه ص/۳

ابهام او د ستونځو د پورته کولو لپاره وړاندی کوي. کله چی ابهام او ستونځی د محکمو لخوا حل شي بیا د حقوقو ادراه د محکمو فیصله تطبیق کوي. د مدنی او تجارتی فیصلو تطبیق او تنفیذ په دوه ډوله تر سره کیږي . الف - اختیاری تنفیذ او تطبیق: محکوم علیه (هغه شخص) چی د هغه په ضرر محکمی حکم صادرکړي وی که چیرې د مدیون (پوراخیستونکی) پور (قرض) یا هغه شي چی محکمه په هغه حکم کړی وي محکوم له (هغه شخص) چی د هغه په گټه حکم شوي ده په خپل اختیار او یا دا چی د حقوقو د اداره د ابلاغ، خبرتیا سره سم ورکړی دا ډول تنفیذ اختیاری تنفیذ ده

د حقوقو د اداره یوه مهمه او اساسی دنده د محکمو د فیصله تطبیق او تنفیذ ده . داساسی قانون د ۷۵ او ۱۲۹ حکم د هدایت او د محاکمو د تشکیل او اوکونود قانون د ۱۰ حکم او د حقوقو د حاصلولو د څرنگوالي د قانون د لسم حکم په مطابق د فیصلو د تطبیق په هکله قانونی حکمونه دي. چه په قانون کي له هغه څخه یادونه شوي . د محکمو فیصله د نورو دولتی ادارو په مرسته او همکاری سره سم چه د دغه قانون په ۲۴ حکم کي ځانگړي شوي د حقوقو د اداره لخوا تر سره کیږي. که چیرې د محکمو په حکم کي ابهام او ستونځي مطرح او موجودي شي. حقوقو اداره دا راز فیصلی هغه محکمو ته چی حکم یی صادر کړي ده د

تصفیه شرکت

قسمت دوم

فیض الله خواجه آمانی - شود یا وسعت پیدا کند چنانچه ماده مذکور مشعر است «صلاحیت های قانونی مامورین تصفیه ممکن است باتفاق شرکا و یا قرار محکمه (هر مقامیکه آن را تعیین کرده باشد) توسیع یا تحدید شود، درینصورت کیفیت ثبت و اعلان میشود اگر مسئله تحدید صلاحیت ثبت و اعلان نگردیده باشد در باره اشخاص ثالث صاحب حسن نیت بی تاثیر است . - راجع به صلاحیت ها و اجرائت مامورین تصفیه در اصولنامه تجارت تذکراتی داده شده اما لازم نیست تا همه موارد آن که به ارتباط موضوعات نشر شده درین مقاله نباشد آورده ... ادامه در ص/۳

درین ضمن اگر درین شرکاء محجور یا صغیر باشد مانع فروش اموال منقول و غیر منقول شرکت توسط مامورین تصفیه شده نمیتواند. چنانچه این موضوع در ماده (223) اصولنامه تجارت صراحت دارد . - در ماده (224) اصولنامه تجارت آمده که « مامورین تصفیه می توانند معاملاتی را که موضوع شرکت را تشکیل میدهد اگر تصفیه از طرف شرکاء تعیین شده باشد مطابق فیصله شرکاء و اگر از طرف محکمه مقرر شده باشد باتفاق نظر شرکاء و تصویب محکمه آن معاملات را موقتاً اجرا کنند - نظر به حکم ماده (228) اصولنامه تجارت صلاحیت های مامورین تصفیه ممکن است محدود

- در رابط به اینکه مامورین تصفیه نمیتوانند یک معامله جدید را که به تصفیه ارتباط نداشته باشد اجرا کنند ماده (220) اصولنامه تجارت چنین صراحت دارد: «مامورین تصفیه نمیتوانند یک معامله جدیدی را که از ایجابات تصفیه نباشد اجرا کنند اگر اجرا نمایند مسئولیتی که از معامله مذکور نشئت کند کلیتاً به مامورین تصفیه مربوط است. مامورین تصفیه نمیتوانند که اموال منقول شرکتی را که به انحلال مواجه شده بطور مزایده یا بدون مزایده بفروش برسانند. اما اموال غیر منقول شرکت متحل شده را هم به مزایده فروخته میتوانند آنهم در صورتیکه موافقت عمومی شرکا بدیگر صورت نباشد .